



در یک نگاه: تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی طالبان در فاز همکاری

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

پایان یک دوره خونین

از دخالت نظامی آمریکا و موئتلفین

جهان به کدام سو میرود؟

بخش اول

صفحه ۴

جمال کمانگر

چگونگی بازگشت مجدد طالبان

و چالشهای پیشروی آن

صفحه ۵

عبداله دارابی

پاشاگردانی جهانی: ویژگیها و پیامدها

صفحه ۶

فاتح شیخ

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه سیاست اعاده قدرت طالبان

ضرورت سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست

به مردم ستمدیده افغانستان

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

ما رویدادهای افغانستان را با حساسیت دنبال کردیم، در نگرانی و مخاطره بازگشت طالبان شریک بودیم، برای این باور بودیم که مردم آزادیخواه افغانستان و منطقه و جهان میتوانند و باید در مقابل این روند ارتجاعی و سلطه مجدد طالبان بر افغانستان بایستند. در لحظاتی که در جلسه دفتر سیاسی بودیم اخبار تسلیم شهر به شهر را توسط نیروهای دولتی به طالبان شاهد بودیم و دل ما با شما مردمی بود که در این وضعیت بغرنج گیر افتاده اید. صحنه های دلخراشی که تلویزیونهای جهان از تحویل افغانستان به طالبان پخش می کنند، نفس را در سینه بشریت آزادیخواه حبس کرده است. مشاهده اسارت یک جامعه عموماً و زنان خصوصاً، تجاوز به کودکان و قتل و آدمکشی سببانه، قلب هر آزادیخواه و انساندوستی را عمیقاً میفشارد.

آنچه اتفاق افتاد، یعنی تحویل دولت اسلامی غنی به "امارت اسلامی" طالبان، یک معامله کثیف دولت آمریکا و ناتو با طالبان با حمایت دولتهای پاکستان، جمهوری اسلامی، چین و روسیه بود. اشرف غنی فرار کرد و بخش مهمی از هیئت حاکمه فاسد افغانستان در این معامله کثیف علیه مردم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آمدہ اند. اکثریت مردم افغانستان اکنون در شوک این معامله کثیف اند اما سلطه طالبان را نمی پذیرند.

حزب حکمتیست در ایران همراه با طبقه کارگر و زنان و مردان آزاداندیش در کنار شماسست. اگر امروز در ایران یک دولت کارگری سر کار بود، به یاری شما برای در هم کوبیدن طالبان می آمد. به نظر ما تنها سیاست درست در شرایط حاضر، برافراشتن پرچم مقاومت توده ای و مسلحانه علیه دولت مستعجل طالبان است. در این نبرد مؤنثفین طالبان و دولتهای دمکرات و مستبد و اسلامی کنار شما نخواهند بود اما مردم آزادیخواه جهان از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و لندن در کنار جنبش مقاومت علیه حکومت طالبان خواهند ایستاد. سلطه طالبان را نپذیرید، علیه اش بپاخیزید!

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۶ اوت ۲۰۲۱

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مردم

ستمدیده افغانستان

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران ...

شریک شد. شما تنها ماندید با صفی از جنایتکاران حامی و شریک طالبان. بازگشت طالبان بار دیگر افغانستان را به قتلگاه زنان و یک پایگاه فعال نیروهای تروریستی و جنگ سالار تبدیل می کند. بازگشت طالبان یعنی محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی تحت پرچم کاذب و دروغین "صلح در افغانستان"! اما این پایان راه نیست، با اراده آگاهانه و سازمان یافته مردم اوضاع میتواند تغییر کند. در ایران مردم آزادیخواه در کار بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی اند. در عراق و لبنان علیه سلطه دولتهای توافقی و قومی و مذهبی بمیدان

زنان افغانستان تسلیم نمی شوند!

زنان یک ستون محکم مقاومت و نه به طالبان هستند

روز پنجشنبه ۲ سپتامبر گروهی از زنان آزادیخواه و مبارز شهر هرات در دفاع از حقوق و دستاوردهایشان در مقابل ساختمان ولایت هرات تظاهراتی برپا کردند. در این تظاهرات اطلاعیه و بیانیه ای قرائت شد.

بخشی از شعارهای این تجمع عبارت بود از؛ «نترسید! نترسید! ما همه باهم هستیم»، «آموزگار دانا، در گرفتن حقت، توانایی توانا!»، «حق تحصیل و کار زنان در همه عرصه ها!»، «نقض حقوق زنان، نقض حقوق انسان»، «تحصیل، کار، امنیت، حق مسلم ماست!»، «هیچ حکومتی بدون حمایت زنان پایدار نمی ماند!»، «پرهیز از خشونت، کشور با امنیت»، «با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا زندگی!»، «از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا زندگی!»، «نان، کار، آرامش و آسایش!»، «نان، کار، امنیت، نفرین بر خشونت!»، «لحظه به لحظه گویم و زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا زندگی!»



در یک نگاه:

تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی طالبان در فاز همکاری

رحمان حسین زاده



سپتامبر ۲۰۰۱ برای بشریت بود. با هزیمت دولت آمریکا از افغانستان و در آینده نزدیک از عراق و به تعبیری از خاورمیانه، جهان معاصر وارد دوره جدید، با مختصات جدید و قطب بندیهای جهانی و منطقه ای جدید شده است. نگرانی اینست، از هزیمت دولت آمریکا و ناتو، تاکنون قطبهای سوپر ارتجاعی چون چین و روسیه و متحدانشان، بربریت تروریسم اسلامی و طالبانی دولتی و غیر دولتی و دولتهای مربوطه شان در منطقه نفع برده اند. اکنون صورت مسئله برای قطب سوم، یعنی بشریت آزادیخواه و مترقی و انساندوست متنفذ از وضع موجود در جهان و خاورمیانه و افغانستان اینست، ورق را بر گردانیم. در نبرد و مبارزه ای جانانه و همه جانبه و سازمان یافته قطب آزادیخواهی و برابری طلبی انسان محور را عروج دهیم.

مردم افغانستان متأسفانه و بار دیگر دوره سختی را تجربه میکنند. اما همه شواهد نشان میدهد، حاکمیت طالبان تحمل شدنی نیست. مقاومت و مبارزه علیه حاکمیت سیاه طالبان تنها راه خلاصی از این دوره سخت و حلقه مهمی از نبرد بشریت آزادیخواه و مترقی و برابری طلبان منطقه و جهان علیه تروریسم اسلامی است. اما حلقه کلیدی مسئله تلاش برای برپایی جنبش مقاومت توده ای مسلحانه علیه تروریسم اسلامی تا دندان مسلح و تا مغز استخوان انسان کش است. در شکل دادن به چنین جنبشی چشم امید به نقش زنان آگاه و جسور و نسل جوان پرشور در افغانستان دوخته شده است.

پایان یک دوره خونین از دخالت نظامی آمریکا و موئتلفین

جهان به کدام سو می‌رود (۱) ...

افغانستان و توافق و تحویل دادن قدرت دولتی به جریان ارتجاعی و قرون وسطایی طالبان ما شاهد پایان یک دوره از دخالت خونین نظامی آمریکا و شرکاء در جهان هستیم که منجر به کشته شدن صدها هزار نفر در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان شده است. در بخش دوم نوشته به جهان چند قطبی و پیامدهای آن خواهیم پرداخت.

هزیمت مفتضحانه و سراسیمه ارتش آمریکا از افغانستان، در دوشنبه شب سی ام اوت ۲۰۲۱، به نقطه پایانی رسید. آنچه مسلم است، بر بستر افت موقعیت آمریکا در معادلات جهانی و در کشاکش با قدرتهای بزرگ رقیب، بر بطن ناکامی اش از تحقق اهدافش در افغانستان و عراق و خاورمیانه، آمریکا و ناتو با قبول شکست و ناکامی افغانستان را ترک کردند. قرارداد "سازش" بین دولت آمریکا و جریان تروریست طالبان در دوحه قطر، سند قبول این عقب نشینی و شکست بود. آمریکا به زعم خود با برسمیت شناسی سهم تروریسم اسلامی طالبان در قدرت، میخواست با بازگرداندن طالبان به قدرت سیاسی و شریک کردن ائتلافی آنها در دولت مرکزی افغانستان، موازنه جدیدی برقرار کند و به نحو میان بر، شکست و ناکامیش را پرده پوشی کند. در جبهه مقابل طالبان تحت هدایت ارتش و دولت و سازمان امنیتی پاکستان و مورد حمایت چین و روسیه و بعضی دولتهای مرتجع منطقه، با تشخیص این مسئله که با خروج قطعی آمریکا و ناتو در مقطع ۳۱ اوت از افغانستان تناسب قوا به شدت به نفع آنها میچرخد و با اطلاعشان از اینکه ارتش و دولت پوشالی دست ساز غرب و ناتو در کابل توان مقاومت را نخواهد داشت، عملاً به قرارداد "سازش دوحه" و شریک شدن با دیگران در حاکمیت پایبند نماند. در نتیجه به منظور یکسره کردن کامل قدرت سیاسی به نفع خود در کابل، در دو ماهه اخیر بر شدت تعرضات نظامی شان به مناطق و شهرهای تحت کنترل دولت مرکزی افزودند و به سرعت غیر قابل انتظار خودشان و در مقابل دیدگان نگران و حیرت زده جهانیان کنترل افغانستان را به دست گرفتند. اکنون طالبان تروریست به عنوان یگانه نیروی تصمیم گیرنده، قرار است به زودی "دولت امارات اسلامی" را اعلام کند. به این ترتیب یکبار دیگر سیکل "جنگ، آشتی، معامله" تروریسم دولتی آمریکا و ناتو با تروریسم اسلامی، دودش مستقیماً به چشم مردم بخت برگشته جامعه چهل میلیونی افغانستان رفت. یکبار دیگر ضدیت سیاست و کارکرد جریانات قومی و مذهبی سرهم بندی شده در "دولت دست ساز" افغانستان با منافع مردم به شکل عریان خود را نشان داد. یکبار دیگر مردم قربانی سیاست اتکاء به دخالت نظامی آمریکا و ناتو و قدرتهای امپریالیستی و دولتهای مرتجع منطقه شدند.

اکنون تروریسم دولتی آمریکا و ناتو و تروریسم اسلامی نه در تقابل باهم بلکه همسو و در فاز همکاری باهم بسر میبرند. کارکرد جنایتکارانه دو طرف چه آزمان که دو قطب مقابل هم و چه امروز که همسو و در آشتی اند، مستقیماً زندگی مردم افغانستان و میلیونها انسان را در منطقه به تباهی کشاند. این عاقبت سخت طرحهای شکست خورده "نظم نوین جهانی" و "خاورمیانه بزرگ" ابداعی هیأت حاکمه امپریالیستی آمریکا، در پایان جهان دو قطبی و در دنیای بعد از یازده

مرگ بر جمهوری اسلامی!



پایان یک دورہ خونین از دخالت نظامی آمریکا و موٹلفین

جهان به کدام سو می‌رود؟ (۱)

جمال کمانگر

عروج و افول جهان تک قطبی

معمولا نقطه عطف‌هایی در تاریخ وجود دارد که سیمای جهان را برای سالها تغییر میدهند. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر، دخالت نظامی "بریتانیای کبیر" در بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶، پروستریکا و گلاسنوست گورباچف، هر کدام باعث عروج و افول و فروپاشی این یا آن چهارچوب فکری و سیاسی و امپراطوری شده است. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس قدرت بلامنازع اقتصادی، سیاسی و نظامی اش در مقابل بلوک شرق، نقش رهبری کننده سرمایه داری مبتنی بر بازار آزاد را در دست داشت.

در رقابتهای جنگ سرد بین بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا، تعادلی شکننده بین دو قطب متخاصم وجود داشت. هر دو ابر قدرت بعد از جنگ جهانی دوم سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در جهان به مدت چهل سال بر اساس رقابت بین سرمایه داری بازار آزاد و دولتی سازمان داده بودند. اما از دهه هشتاد میلادی قرن گذشته پروسه فروپاشی و رکود اتحاد جماهیر شوروی قابل مشاهده بود. فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ اضمحلال بلوک شرق را قطعیت بخشید. پیروز رقابت جهان دو قطبی قرن بیستم، بلوک غرب به سرکردگی آمریکا بود. این پیروزی چنان قدرتی به آمریکا بخشیده بود که از زبان فوکو یاما "پایان تاریخ" و پایان هرگونه ایده برابری طلبانه اعلام شد. کمونیسیم اردوگاهی به هزیمت افتاد و هله هله پیروزی دموکراسی بر کمونیسیم و سوسیالیسم به بخشی از روانشناسی مردم تبدیل شد. هزینه کردن صدها میلیارد دلار علیه کمونیسیم و سوسیالیسم سرانجام به بار نشست. پیروزی بازار آزاد بر سرمایه داری دولتی را پیروزی دموکراسی بر کمونیسیم در اذهان عمومی جامعه جا انداختند. بعد از فروپاشی دیوار برلین "گلوبالیزاسیون" و "دنپای بدون مرز" افتخار "بلوک پیروز" در جنگ سرد بود.

جهان تک قطبی حول بلوک غرب به رهبری آمریکا نیازمند "نظم نوینی" بود که دموکراسی و سرمایه داری بازار آزاد را "ازلی و ابدی" نشان دهند. گوشه و کنار جهان از آمریکای لاتین تا بالکان و خاورمیانه به حیاط خلوت دخالت نظامی آمریکا و موٹلفینش تبدیل شده بود. طلوع خونین نظم نوین جهانی با لشکرکشی ائتلافی از دولتها به رهبری آمریکا به خلیج فارس به بهانه اشغال کویت کلید خورد و در مدت زمان کوتاهی بیش از نیم میلیون سرباز آمریکایی در مقابل ارتش فرسوده و تازه نجات یافته از جنگ هشت ساله ایران و عراق قرار گرفتند! عقب راندن عراق از کویت خشت اول نظم نوین را با کشتار و خانه خرابی مردم عراق گذاشت! اما این پایان ماجرا نبود.

در مدت زمان کوتاهی بعد از فروپاشی بلوک شرق برجسته شدن هویت قومی و زبانی و مذهبی ساکنان یوگسلاوی سابق منجر به جنگ خونین

دیگری در جنوب شرقی اروپا شد. پیمان اتلانتیک شمالی- ناتو هم میبایست خود را با نظم نوین تطبیق میداد. اما یوگسلاوی سابق خارج از حوزه نفوذ سنتی این پیمان نظامی بود و دخالت در جنگ بالکان ابتدا از طریق "دخالت بشر دوستانه" همراه با سازمان ملل و بعدها منجر به دخالت نظامی و بمباران شدید بلگراد و سایر شهرهای یوگسلاوی سابق با اورانیم رقیق شده بود. ارمنان دخالت بشر دوستانه ناتو و آمریکا در یوگسلاوی بعد از ۱۰ سال کشتار دهها هزار نفر و تکه پاره شدن آن به چند کشور کوچک و بی تاثیر شد.

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط سازمان القاعده علیه آمریکا، نقطه عطفی در شروع قرن بیست و یکم و ضربه جدی به پرستیژ تنها ابرقدرت جهان بود. این تعرض سازمان القاعده که آموزش دیده سازمان سیا و سرویسهای امنیتی دول مرتجع منطقه بود، باعث دامن زدن به جنگ تروریستها در جهان شد. حملات القاعده "جنگ نامتقارن" را به صورت خیره کننده ای ارتقاء داد! آمریکا برای نشان دادن قدرت نظامی خود نیازی به سازمان ملل و حتی اتحاد فرمال نشد و بوش پسر اعلام کرد: "هرکس با ما نیست، برماست." و سر انجام در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ جرج بوش و تونی بلر نخست وزیر انگلستان با حملات هوایی و زمینی در مدت زمانی دو ماهه حکومت ارتجاعی طالبان را ساقط کردند اما بخش اصلی رهبری طالبان و القاعده به پاکستان گریختند.

پیروزی سریع و برق آسای آمریکا و متحدین اش در اشغال افغانستان راه را برای دخالتهای بیشتر در خاورمیانه باز کرد. "جنگ با تروریسم اسلامی" به اسم رمز دخالت در تمام شئون زندگی مردم در اکثر نقاط جهان تبدیل شد. بوش و بلر جهان را به دو قطب "خیر و شر" و "محور شرارات و محور خیر و برکت" تقسیم کردند. اشغال عراق به بهانه سلاحهای کشتار جمعی در سال ۲۰۰۳ اوج قدرتی آمریکا و یکه تازی اش بعد از شکست بلوک شرق بود. تصور خاورمیانه بزرگ و کنترل آن استراتژی بوش و بلر بود. اما بحران اقتصادی ۲۰۰۷ پروسه افول تک ابرقدرت جهان را رقم زد.

اشغال نظامی افغانستان و عراق نشان داد که تنها قدرت نظامی برای تغییرات سیاسی کافی نیست. بحران اقتصادی ۲۰۰۷ نابرابری عظیمی که مدل اقتصادی بازار آزاد به بار آورده بود به نمایش گذاشت و محدودیتهای بیشتری به آمریکا تحمیل کرد. فراتر از بعد بین المللی افول نظم نوین، جامعه آمریکا به شدت قطبی شده است و اجماعی حتی در نظام پارلمانی و دموکراسی نیابتی ندارند. شورش ترامپ و طرفدارانش در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ علیه رسمیت یافتن ریاست جمهوری جو بایدن در کنگره، چهره ای جهان سومی از پروسه انتقال قدرت در دموکراسی نیابتی آمریکا بود که یکی از ارکان قدرت نرم آن کشور در جهان محسوب میشود. پیروزی بایدن برای باز تعریف "هویت آمریکایی" و "روپای آمریکایی" است. با خروج نظامی آمریکا از



چگونگی بازگشت مجدد طالبان و چالشهای پیشروی آن

عبداله دارابی

هر دو پروپاگاند فوق الذکر، در خدمت متوهم کردن و به بیراهه بردن مردم نسبت به معامله ای است که در خفا علیه آنها صورت گرفته و بدینوسیله میکوشند با وعده و وعیدهای پوچ و سراپا دروغین خود مردم را به خانه هایشان بفرستند و آنها را از تقابل علیه این جریان تروریستی دست نشانده خود دور کنند.

معامله دول فوق الذکر از جمله آمریکا با طالبان، بر پایه سیاستی است که سردمداران نظام سرمایه داری از ده ها سال قبل برایش جنگیده و اگر بتوانند آنرا تا رسیدن به اهداف شان ادامه خواهند داد. آمریکا هم بدون گرفتن درس عبرت از شکست شوروی سابق در افغانستان، در راستای هژمونی جهانی خود و دستیابی به ثروت هنگفت بکر و دست نخورده افغانستان، ۲۰ سال قبل با لشکر کشی به افغانستان، طالبان را از قدرت ساقط کرد و یک مشت از مرتجعین مشابه آنرا نیز جایگزین آن کرد و جنگ علیه طالبان را تا به امروز ادامه داد. ولی در نهایت امر، سرنوشت آمریکا در افغانستان هم به سرنوشت شوروی سابق در آنجا تبدیل شد و شکست خورد. ولی علیرغم شکست پی در پی روسیه و آمریکا در افغانستان، سیاست ایجاد یک «دولت ملی و فراگیر» در آنجا، همچنان رو میز نظام سرمایه داری امروز جهان باقی است و رقابت و تنش سیاسی های بین کشورهای امپریالیستی و منطقه ای حول آن همچنان جاری است. در پرتو این جنگ های بزرگ و خانمانسوز، «اقلیت» های قومی و مذهبی افغانستان همواره توانسته اند از شکاف بین دولت های بزرگ و کوچک جهان و منطقه به نفع خود بهره برداری کنند، شیره جان مردم تهیدست را بمکند و بدینوسیله به سرمایه داران و تاجران ثروتمند و شناخته شده در سطح خاورمیانه تبدیل شوند.

ناگفته نماند در این افغانستان بدون صاحب و بدون دولت، ثروت کشف شده ولی تولید نشده هنگفت و کم نظیری چون؛ نفت و گاز، لیتیوم، طلا، نقره، پلاتین، کروم، مس، آهن، نقره، زمرد، یاقوت و فیروزه، دست نخورده موجود است که با آرزوی دستیابی به آن، طالبان را جلو صحنه قرار داده اند تا به کمک و یاری یک دولت فراگیر راه را برای تولید آن هموار سازند. تا حال چندین شرکت بزرگ چینی و هندی، در دوران دولت کرزای و غنی برای تولید و برداشت مس و آهن قرارداد چند میلیاردی را هم امضا کرده اند ولی اساسی ترین عامل و موانع جاری شدن این قراردادها نا امنی و عدم زیر ساخت جامعه مثل برق و جاده و عدم زیر ساخت کشور قلمداد کرده اند.

حالا یکی از تعهدات طالبان به این کشور ها راه اندازی ایجاد یک «دولت ملی» فراگیر است تا در پرتو آن بتوانند به این آرزوهای برباد رفته تا کنونی دست یابند. با توجه به نکات فوق، به چالش های عمده پیشروی حکمرانی طالبان اشاره کوتاهی میکنیم.

یکی از چالش های عمده پیشروی طالبان این است که،

بخاطر فاجعه دردناک و ضد انسانی ۳ هفته قبل افغانستان که منجر به بازگشت مجدد حکمرانی طالبان در افغانستان گردید، رسانه های جهانی زیادی به دو شیوه بیان واقعیات پشت پرده این رویداد را از مردم پنهان کرده و میکوشند با تبلیغات واهی و مهندسی شده اصل ماجرا را لاپوشانی کنند.

میگویند: تسخیر کابل در اثر جنگ برق آسای طالبان و بی لیاقتی نیروهای اشرف غنی، به سرانجام رسید و به همین خاطر، لقب «تسخیر و تصرف» را نیز به آن نسبت دادند. بایند و مقامات نظامی آمریکا خود جلودار این پروپاگاند بودند بی آنکه به روی مبارکشان بیاورند که از سالها قبل ملزومات معامله با طالبان را برای بازگشت به قدرت تدارک دیده بودند. حالا با فروکش کردن نسبی این رویداد، از زبان مقامات و فرماندهان خود طالبان و رژیم قبلی از جمله غنی و حقانی، میشنویم که بازگشت مجدد طالبان به قدرت به یمن یک معامله طولانی مدت و مخفی و بدور از چشم مردم صورت گرفته است نه چیزی دیگر. این زد و بند و توطئه کثیف، خلاف بعضی معاملات تاکتونی بود چون طی سالهای گذشته کشور های زیادی مثل آمریکا، روسیه، چین، هند، پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، دولت غنی و طالبان و... هر کدام مستقیم و غیر مستقیم از زاویه منافع و مصالح خویش از این زد و بند و معامله با خبر و یا بلامانع در آن دخیل و شریک بودند. یک سال قبل از بایند سند نهایی این معامله توسط ترامپ به امضا رسیده بود. این تنها مردم قربانی شده افغانستان بودند که کمافی سابق بیخبر از همه چیز نزدیک به ۱۰۰ سال است در آتش جنگ و جدال خانمانسوز و تباری بین دولت های امپریالیستی جهان و منطقه از یکسو، و قوم پرستان و مذهبیون و ملاکان مرتجع و کپک زده محلی افغانستان از سوی دیگر، میسوزند.

بخش دوم این پروپاگاند را از رسانه های چون بی بی سی و تلویزیون آمریکا و... میشنویم که بیشرمانه و بدور از هرگونه نزاکت و عرف و اخلاق خبررسانی در راستای منافع خویش بیوقفه به دروغ و گمراه کردن مردم ادامه میدهند و با نسبت دادن واژه «تغییر» به سراغ طالبان رفته و در صدد تطهیر آن هستند. میگویند اینها، طالبان های ۲۰ سال قبل نیستند، خوشخیم شده اند و «تغییر» کرده اند و باید با آنها مدارا کرد. این تطهیر کردن ها در شرایطی انجام میشود که خود طالبان تحمیل شده بر کرده مردم افغانستان، هنوز دستش به دهانش نرسیده در عالم واقع فریاد میزند که، اجرای احکام اسلامی مد نظرشان سر لوحه حکمرانی و دولتمداری آنها در افغانستان است و هر کس و جریانی خلاف آن عمل کند به اشد مجازات خواهد رسید. نمونه بارز آن ۲ بار حمله نظامی به ناراضیان نیم بند خود واقع در دره پنجشیر در چند روز اخیر است که بنا به اخبار رسانه ها تاکنون تعدادی از هر طرف کشته شدند.

چگونگی بازگشت مجدد طالبان و

چالشهای پیشروی آن ...

یک جریان آزموده شده و تنفرانگیز است و با زندگی امروزه بخش بزرگ جامعه افغانستان هیچ سر سازگاری ندارد. چون نه تنها مردم افغان بلکه افکار عمومی جهان نیز آنرا بخوبی میشناسند و بهمین خاطر بخش وسیعی از جامعه افغانستان از جمله زنان، نسل جوان و آزادیخواهان حاضر نیستند زیر سلطه این مرتجعین زندگی کنند و با آن تداعی شوند. نفس شناخت مردم از طالبان، یکی موانع بسیار جدی پیشروی طالبان است که مهار کردنش برای آنها غیر ممکن است.

یکی دیگر از چالش های پیشروی طالبان این است که: بحران اقتصادی در افغانستان بسیار عمیق و دردناک است بطوریکه تاکنون هیچ راه حلی برای برون رفت از آن در چشم انداز نیست و خود پدیده طالبان و قوانین اش هم مزید بر علت است و یکی از موانع های جدی پیشروی جامعه افغانستان است. نکات فوق نشان میدهد که طالبان قادر به مهار این موانع نیست و دیر یا زود سرنوشت اش به سرنوشت دیگر دولت های افغانستان دچار خواهد شد.

فرار آمریکا از افغانستان یک امر واقعی بود چون راه حلی جز آن برایش باقی نمانده بود. ماندگاری و زمینگیر شدن در یک جغرافیای ناشناخته و صعب العبور روز به روز راه را برای تداوم و پیشروی نیروهای آمریکا، سخت و دشوارتر میکرد. آمریکا با پیشرفته ترین تکنولوژی نظامی جنگید و بزرگترین بمب جهان را هم رو سر مردم آزمایش کرد ولی پیروز نشد و سرانجام به سازشی تن داد که مطلوب و مناسب حال او نبود و بدینوسیله یک ناکامی دیگر را به لیست ناکامی خود در خاورمیانه افزود.

۳ سپتامبر ۲۰۲۱

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

پاشاگردانی جهانی: ویژگیها و پیامدها



فاتح شیخ

ظرف سال گذشته، جهان در یک حالت خاص "پاشاگردانی جهانی" سیر کرده است. در ۲۴ ساعت گذشته، با تحولات جدید صحنه فرودگاه کابل و عرصه

سیاست افغانستان، این حالت ویژه جنبه نمادین ویژه تری یافته است. در یک گوشه جهان، در کاخ سفید جو بایدن با رخسار رنگبخته و سخنان ننگین و نپرداخته اش و در گوشه دیگر جهان در فرودگاه کابل توحش طالبان با اعلام بی مصداق "استقلال" افغانستان، دو صحنه بارز پاشاگردانی جهانی روز را نمایش دادند. اول سپتامبر ۲۰۲۱ در کنار یازده سپتامبر ۲۰۰۱ دو لحظه برجسته پرمصیبت از پاشاگردانی جهانی دو دهه گذشته اند.

"پاشاگردانی" واژه قدیمی رایجی است و در کاربرد امروز تعبیری مفهومی (conceptual)، معادل سیاسی آشفته بازار است. گرچه بیشتر زبازرد گردزبانان است، برای متکلمان چند زبان دیگر هم از خاورمیانه تا آسیای میانه به آسانی قابل فهم است. معادل انگلیسی آن، turmoil یا disorder است. در قیاس با "بی نظمی جهانی" مفهومی اختصر با مصداق درهم ریختگی پردامنه تر و کم دوامتر است.

پاشاگردانی جهان امروز کم و بیش شبیه تحولات ۱۹۸۹ و میتوان گفت کم و بیش حاصل ماندگار فروریزی ۱۹۸۹ بلوک شرق و پیامدهای آن است. البته ویژگیهای امروز این آشفته بازار با آنچه سه دهه پیش بر جهان گذشت بسیار متفاوتند و بسیار هم پیچیده تر. ویژگیهای لحظه کنونی پاشاگردانی جهانی را باید دست نشان کرد تا بتوان در تابلونی حدودا رئالیستی چشم اندازهای منطقی آن را ترسیم کرد.

این یادداشت کوتاه آغاز نشر رشته نوشتارهایی در دو متن فارسی و کردی است (با مضمون مشترک و اندکی تفاوت به اقتضای مخاطب). تا آنجا که تندرستی و انرژی ما را در دسترس دهد، قصد داریم یک نگرش و دیدگاه ماکرو درباره آنچه امروز در مقیاس جهان میگذرد را باز کنیم و با شما خوانندگان علاقمند در میان بگذاریم. هدف این است که بریستر تحلیل ماکرو از سیر روندهای پایدار اقتصاد و سیاست و جنگ در سطح جهان، بتوانیم هم به تحلیل کنکرت اوضاع سیاسی و نظامی کنکرت در میدان کشمکشهای قدرتهای درشت و ریز جهان دست بزنیم و هم به طور مشخص موارد معینی را (از جمله در تحولات جاری خاورمیانه) بررسی کنیم.

اول سپتامبر ۲۰۲۱ - دهم شهریور ۱۴۰۰

دارد، اما بیشترین ظرفیت بسیج در لحظه کنونی را دارد.

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه سیاست اعاده قدرت طالبان

ضرورت سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای

زنان و مردان آزادیخواه، مردم زحمتکش، کمونیست ها و سوسیالیست ها و جریانات سکولار باید استخوانبندی این جنبش مقاومت در مقابل ترور و توحش طالبان را شکل دهند. اینبار فرصتی هست که جامعه روی پای خود و مستقل از نیروهای اسلامی و حکومتی و حامیان جهانی اش، علیه اسلام سیاسی طالبان بمیدان بیاید. در این جدال مردم منطقه از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و پایتخت های جهان کنار جنبش مقاومت علیه حکومت طالبان خواهند ایستاد. یک رکن مهم چنین جنبشی، یک حرکت گسترده بین المللی، علیه تروریسم دولتی و اسلامی، در دفاع از سکولاریسم و یک دولت غیر قومی و غیر مذهبی در افغانستان است. جنبش مقاومت توده ای نیازمند یک جنبش حمایت بین المللی بیرون مرزهای افغانستان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بند و بست دولتهای آمریکا و پاکستان و جمهوری اسلامی با طالبان را قویا محکوم میکند. ما از حق مردم آزادیخواه و زنان و مردان زحمتکش افغانستان برای ایستادگی قاطع در مقابل طالبان حمایت می کنیم. کارگران و مردم آزادیخواه ایران، بویژه جنبش آزادی زن که چهار دهه است علیه طالبانهای تهران مبارزه می کنند، کنار جنبش مقاومت توده ای علیه حاکمیت طالبان خواهد ایستاد. مردم افغانستان اینبار باید به افکار عمومی پیشرو و حرکتهای ضد سرمایه داری در منطقه و جهان متکی شوند تا بتوانند در مقابل کمپ ارتجاع داخلی و متحدان منطقه ای و بین المللی اش، از حکومت مجدد طالبان ممانعت کنند و با اعمال اراده مستقیم سرنوشت خود را به دست بگیرند. جنبش مقاومت توده ای مسلحانه در مقابل طالبان، مشابه آنچه در کوبانی داعش را شکست داد، زمینه مقاومتی خاموش نشدنی علیه جنبش اسلام سیاسی ایجاد میکند. عقب راندن و شکست طالبان مقدمه ای برای ریشه کن کردن کل نیروهای جنگ سالار و تروریسم و تبحر اسلامی در منطقه است.

**مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۴ مرداد ۱۴۰۰ - ۵ اوت ۲۰۲۱

زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده
ای را همه جا برپا کنید!**

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

طالبان این نیروی تروریست و عهد عتیقی، با سادگی و در جاهایی بدون درگیری، به فتوحاتش می افزاید و فی الحال نقشه تصرف شهرهای بزرگ و کابل را دارد. طالبان منتظر رفتن باقیمانده نیروهای آمریکا است تا آخرین حملات را آغاز و مسئله قدرت دولتی را نهایی کند. بازگشت طالبان در هر شهر و روستا با اعمال قوانین شنیع اسلامی و ضد زن و قتل و جنایت همراه بوده است. بازگشت طالبان تنها کابوس زنان و مردم رنجدیده افغانستان نیست، سوالی منطقه ای هم هست. آمریکا بدنیاال حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر با حمله به افغانستان حکومت طالبان را سرنگون کرد. "جمهوری اسلامی افغانستان" حاصل صدور دمکراسی موشک کروز بود. بعد از دو دهه جنایت و فساد به نقطه اول برگشتند: بازگشت طالبان اینبار با حمایت آمریکا! زیر عنوان بی مثنای "مذاکرات صلح" آمریکا با طالبان به توافق رسید که آنها را به قدرت و شرکت در حکومت بازگرداند. این بند و بست آمریکا و طالبان با همکاری و حمایت جمهوری اسلامی، ارتش پاکستان و بخشی از هیئت حاکمه کنونی و جنگ سالاران صورت گرفته است.

بازگشت طالبان بار دیگر افغانستان را به قتلگاه زنان و یک پایگاه فعال صدور تروریسم تبدیل می کند. بازگشت طالبان یعنی محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی، خرید و فروش زنان و کودکان در بازار برده فروشی، قتل شرعی و قانونی تحت پرچم "صلح در افغانستان"! بازگشت طالبان در معادلات سیاسی منطقه فاکتوری بنفع تروریسم اسلامی است. بازگشت طالبان بلوک ارتجاع منطقه، تروریسم و میلیتاریسم، شکاف و دشمنی میان مردم محروم منطقه را تقویت میکند.

امروز چه باید کرد هر کمونیست و آزادیخواهی در افغانستان ممانعت از بازگشت طالبان و به شکست کشاندن نقشه ائتلاف ارتجاعی حامی طالبان است. یک دو راهی سرنوشت ساز در مقابل مردم زحمتکش افغانستان قرار گرفته است؛ تسلیم به حاکمیت طالبان یا مقاومت در مقابل آن! دستور کار یک کمونیست، یک آزادیخواه و برابری طلب، هر کسی که نمی خواهد بساط توحش اسلامی طالبان مجددا راه بیافتد، در لحظه حاضر برافراشتن پرچم مقابله فعال با طالبان است. سازماندهی یک جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه برای دفاع از خود و شهرها و روستاها در مقابل نیروهای طالبان، تنها سیاست انقلابی و بسیج کننده در لحظه حاضر است. جنبشی که میتواند سازمان دفاع از خود و تامین نیازها و امنیت شهروندان را با ایجاد شوراهای مردمی مسلح در محلات و مناطق آغاز کند و در مقابل تلاش طالبان برای قدرتگیری مجدد سدی ببندد. این سیاست به رهبری و سازمان و تسلیح عمومی و توده ای نیاز دارد، الزامات و موانع سیاسی و عملی جدی

Solidarity message from the meeting of the Political Bureau of the Worker-communist Party of Iran – Hekmatist to the people of Afghanistan

We observed the events in Afghanistan with deepest apprehension, and sincerely felt our shared anxiety concerning the return of the Taliban. Throughout our Political Bureau meeting, we followed the news of the cities being surrendered by the government forces to the Taliban thugs one by one, and our hearts and minds were with you being trapped in that most tortuous situation the whole time.

We firmly believe that the freedom-loving people of Afghanistan, of the region and, in deed, of the world at large can and must stand up to this reactionary current of the Taliban's re-domination of Afghanistan. The heart-wrenching scenes of handover of Afghanistan to the Taliban were certainly breathtaking to the freedom-loving humanity. Witnessing the capitulation of a whole society to the forces of murderous brutality, especially towards women and children, has since caused the hearts of every true human being great pain.

What has actually transpired, i.e., the handover of the Islamic Republic of President Ashraf Ghani to the Taliban's "Islamic Emirate", is the result of a dirty deal between the US government and its NATO allies, on the one hand, and the Taliban, supported by the governments of Pakistan, Iran, China and Russia, on the other. Ashraf Ghani fled the country and a significant part of Afghanistan's corrupt governing establishment shared in the fruits of that dirty deal against the citizens. As a result, they were left alone with a whole rank of criminals supporting and partnering the Taliban. But the Taliban's return will once again turn Afghanistan into a women's murder site and an active

stronghold of terrorist as well as warlord forces. The Return of the Taliban will once again be synonymous with the elimination women from society, attacking every bit of individual and social rights and freedoms, closing schools and banning education and, in a nutshell, annihilation of all manifestations of civility under the false banner of "Peace in Afghanistan"! However, this will not be the end of the road. Conscious, organized will of the people of Afghanistan is certain to bring revolutionizing change, in the same way that freedom-loving people in Iran are earnestly engaged in bringing the regime of Islamic Republic down to its knees. Also in Iraq and Lebanon the people have come out against the domination of ethnic and/or religious based covenants dressed up and presented as "governments". The great majority of honorable, courageous Afghan people are now having the shock of their life by the torturous political hand you have been dealt, but they will never surrender to the will of the Taliban.

The Worker-communist Party of Iran - Hekmatist, along with the working class and free-thinking men and women of Iran are on your side. Had there been a workers' state in power in Iran it would have already come to your aid to crush the Taliban as, in our opinion, the only correct policy in the present situation in Afghanistan is to raise the banner of armed mass resistance against them. And let us remember that your allies in this battle are neither the so-called democratic states nor despotic Islamic regimes such as the regime in Iran but the freedom-loving people of the world from Tehran, Beirut, and Baghdad to Paris, Berlin and London. They will stand with your resistance movement against the Taliban regime. Say no to Taliban domination of Afghanistan! Rise and take up arms against the murderous thugs!

In solidarity,

Members of the Politburo of the Worker- communist Party of Iran- Hekmatist

Aug. 16, 2021

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیست

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!